

## یادداشت

## چرا باید از صراحت مذاکره‌ای ترامپ استقبال کرد؟



علی‌رضا سلطانی

استاد دانشگاه

مذاکره و به بیان دقیق‌تر مجادله ترامپ با زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، در اتاق بیضی کاخ سفید و جلوی دوربین رسانه‌ها، رویدادی کم‌سابقه در سیاست جهانی و در عالم دیپلماتیک به شمار می‌رود. این برای خندمیان بار است که ترامپ در مدت کوتاهی که برای بار دوم وارد کاخ سفید شده، آشکارا و در جلوی دوربین رسانه‌ها، مذاکرات مهم خود با رؤسا و رهبران جهان را انجام می‌دهد. مذاکراتی که بعضا با حاشیه و بحث و جدل مواجه بوده و بازخوردهای سیاسی زیادی هم داشته است. گفت‌وگوی صریح و شفاف ترامپ همراه با معاون و وزیر خارجه‌اش با ملک حسین، پادشاه اردن و اخیرا گفت‌وگو با مکنون، رئیس‌جمهور فرانسه و مهم‌تر از آن استارمر، نخست‌وزیر انگلیس، در این زمینه شایان توجه است. ترامپ رویه‌ای جدید در مذاکره و دیپلماسی آمریکا در پیش گرفته است. رویه‌ای که برخلاف گذشته که پشت درهای بسته بود و معمولا کلی و کلیشه‌ای محسوب می‌شد، این بار صریح، شفاف، بدون تعارف، کاسبکارانه و با هدف رسیدن سریع به نتیجه انجام می‌شود. رویه و رفتاری که برای طرف‌های مذاکره ترامپ از هر کشوری و با هر جایگاهی، در مناسبات خارجی آمریکا غیرقابل انتظار است. علی‌رغم اینکه طرف‌های مذاکره ترامپ سعی می‌کنند بر خود مسلط بوده و رفتار و واکنشی متناسب نشان دهند، در عمل در بسیاری از مواقع با واکنش آنها، با شوک، ناراحتی، بهت و تغییر زبان بدن و بروز برخی حالت‌های غیرمتعارف دیپلماتیک خود و اطرافیان مواجه می‌شوند.

اما چرا باید از این تغییر رفتار آمریکا استقبال کرد و آن را نشانه مثبتی در نظام بین‌الملل ارزیابی کرد؟

در ابتدا باید بر این نکته تاکید کرد که این شیوه رفتار دیپلماتیک دولتمردان جدید آمریکا، با هدف سرعت در رسیدن به نتیجه و جلوگیری از طولانی‌شدن روند گفت‌وگوهای پنهانی انجام می‌شود. به این منظور، در نشست‌های این چنین، تمام مدیران و مقامات دخیل در مذاکره، یعنی معاون اول رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه، مشاور امنیت ملی، وزیر خزانه‌داری و مشاوران دیگر حاضر بوده و در گفت‌وگوها مشارکت داشته و چه‌بسا در برخی موارد جلوتر و صریح‌تر از ترامپ سخن می‌گویند و طرف مقابل را تحت تأثیر با فشار قرار می‌دهند؛ گویی بر این منظور برنامه‌ریزی قبلی انجام شده است. از طرف دیگر، فحوا و محتوای گفت‌وگوها از شیوه‌های متعارف دیپلماتیک، تعارف‌گونه و کلی‌گویی خارج شده و به‌طور مشخص صریح، جزئی و با نیل به رسیدن به نتیجه سریع در نشست‌های بدون ارجاع به نشست‌های کارشناسی با سطوح پایین‌تر مقامات، آن‌هم پشت درهای بسته، است. گفت‌وگوی چالشی، کاسبکارانه و اتهام‌زنی با محوریت عوام‌گونه (مانند مخالفت با صلح جهانی) توأم با بزرگ‌نمایی تهدیدها (مانند زمینه‌سازی برای جنگ جهانی سوم و قطع کمک آمریکا)، انتقاد از دولت گذشته آمریکا و تحریک شخصیت طرف مقابل در مقابل دوربین‌ها، از شکردهای مذاکراتی ترامپ است؛ شکردهایی که معمولا پشت درهای بسته مورد استفاده قرار می‌گرفت، به طور مشخص، ترامپ و تیمش با این رفتار قصد بهره‌گیری از فضای عمومی داخلی و خارج آمریکا برای پیشبرد اهداف دولت آمریکا و فشار افکار عمومی بین‌المللی بر طرف مقابل را دارند. چنینش حضور خبرنگاران و سؤالات آنها نیز غالباً برنامه‌ریزی شده و هدفمند است. فارغ از اهداف آشکار و پنهانی که ترامپ و تیمش دنبال می‌کنند، این شیوه گفتاری، رفتاری و استفاده از زبان و حرکات بدن که خیلی زود و گسترده بازتاب رسانه‌ای پیدا می‌کند، به احتمال زیاد در آینده نزدیک به یک رویه معمول در نشست‌های دیپلماتیک تبدیل شود و از این لحاظ، دیپلماسی را شفاف‌تر و دموکراتیک‌تر کرده و با استقبال عمومی نیز مواجه می‌شود.



اینکه ترامپ و تیم سیاست خارجی او تا چه حد با این شگرد و شیوه می‌توانند اهداف و سیاست‌های خارجی ایالات متحده را با استفاده از ظرفیت فضای عمومی پیش ببرند، با تردید مواجه است. مشخصا در موضوع انتقال فلسطینی‌های ساکن غزه به کشورهای همسایه، فشار به اوکراین برای پذیرش صلح تحمیلی با روسیه و همچنین اعمال فشار به اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی، افکار عمومی جهان و حتی آمریکا با سیاست‌های ترامپ همراهی نداشتته و نخواهند داشت. بر این اساس، اگرچه طرفداران محدود ترامپ در آمریکا و جهان (راست‌گرایان سیاسی و اجتماعی) از شکردهای مذاکراتی او استقبال می‌کنند، اما این شکردها بیش از پیش ماهیت سیاست‌های تحمیلی و کاسبکارانه آمریکا را آشکار می‌کند. شکردهایی که به لحاظ صوری، با جایگاه و موقعیت آمریکا به عنوان یک ابرقدرت و کشوری که برای دهه‌های طولانی نقش راهبردی سیاسی و اقتصادی دنیا را در اختیار داشته، همخوانی ندارد. ترامپ که رفتارهای دیپلماتیک جدید خود را در درجه اول با ملاحظه منافع آمریکا و در راستای شعار «اول آمریکا» انجام می‌دهد، به طور طبیعی تلاش دارد با این رفتارها پیام و سیاست جدید آمریکا مبنی بر اینکه نباید بی‌دلیل و بدون تضمین روی آمریکا حساب کنند، مخابره کند. بااین‌حال، از طرف دیگر این رویکرد دیپلماتیک و شیوه مذاکراتی در نگاه افکار عمومی دبردارنده ابجدادی منفی از جمله دورشدن آمریکا از موقعیت ابرقدرتی و هژمون دنیا و تقلیل آن به کشوری عادی هم‌راستا با دیگر کشورها که بر سر مسائل جزئی و خرد نظام بین‌الملل مذاکره و چانه‌زنی می‌کنند نیز هست. موضوعی که برای طرفداران آمریکا به عنوان ابرقدرت و هژمون جهانی و برای حامیان نظام جهانی سرمایه‌داری در داخل و خارج آمریکا چندان خوشایند نیست و آن را نوعی بازگشت به عقب و دورشدن از دوران برتری و هژمونیک آمریکا تلقی می‌کنند. بر این اساس، رفتار و منش دیپلماتیک ترامپ و تیم سیاست خارجی او در شان و جایگاه آمریکا نیست و این به اعتبار و جایگاه آمریکا در عرصه بین‌المللی ضربه می‌زند.

نکته پایانی اینکه در این شرایط، شاید مذاکره با آمریکا برای کشورهایهایی که با آن دچار چالش باشند، کم‌چیزینه‌تر و آسان‌تر باشد. دورشدن از تلقی مذاکره با آمریکای ابرقدرت در میز مذاکره و در برابر دیدگان عمومی، موجب بالارفتن اعتمادبه‌نفس در چانه‌زنی و مجادله با رئیس‌جمهور آمریکا و حتی تقابل با آن می‌شود. موضوعی که هرچند ممکن است برای زلنسکی در برزینه باشد، اما پایدار و مقاومت او را در برابر خواست‌های ترامپ ثابت کرد.



## دیپلماسی به سبک «رنائیتی شو»

توافقات ساختاری، احتمال بی‌ثباتی در مناطق بحرانی مانند اوکراین را افزایش می‌دهد.

**زمانی که نمایش از کنترل خارج شد**

از میان تمام دیدارهای تلویزیونی ترامپ، گفت‌وگو با زلنسکی بیش از همه شوک‌آور بود. پس از پخش بخش‌هایی از این گفت‌وگو توسط سی‌ان‌ان، «کرستین امنپور»، مجری ارشد بین‌المللی این شبکه، با حالتی حیرت‌زده گفت: «در طول عمرم چنین چیزی ندیده‌ام». این تصویر با واکنش «اوکسانا مارکارووا»، سفیر اوکراین در واشنگتن، که از آغاز تهاجم روسیه در ۲۰۲۲ برای جلب حمایت آمریکا تلاش کرده است، همخوانی داشت: سر در دست، چهره‌ای درهم‌کشیده، گویی از خود می‌پرسد «آیا آنچه به چشم می‌بینم در واقعیت در حال رخ دادن است?».

علنی‌سازی اختلافات در سطح رهبران، به‌ویژه در بحبوحه جنگ اوکراین، نه‌تنها همبستگی لازم میان متحدان را تضعیف می‌کند، بلکه به روسیه این پیام را ارسال می‌کند که غرب در حفظ اتحاد خود ناتوان است. این امر ممکن است تحریک‌پذیری مسکو را افزایش دهد.

**از آتش‌بس تا تهدید به جنگ جهانی سوم**

ترامپ در ابتدا گفت: «می‌خواهم بینیم آیا می‌توانیم به آتش‌بس بین روسیه و اوکراین برسیم. اگر می‌خواهید سخت‌گیر باشیم، می‌توانم از هر انسانی سخت‌گیرتر باشم... اما با این روش هرگز به توافق نمی‌رسید». سپس جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، وارد بحث شد: «جو بایدن چهار سال درباره پوتین سخنان تند گفت، اما عمل‌گرا نبود. شما الان دارید همان مسیر را تکرار می‌کنید».

زلنسکی که به‌ندرت بدون مترجم صحبت می‌کند، به انگلیسی پاسخ داد: «پوتین از ۲۰۱۴ بخش‌هایی از اوکراین را اشغال کرده. او آتش‌بس‌ها را شکست، مردم ما را کشت... شما از کدام دیپلماسی حرف می‌زنید؟» ونس با عصیانیت پاسخ داد: «من از دیپلماسی‌ای حرف می‌زنم که نابودی کشور شما را متوقف کند. آقای رئیس‌جمهور، با احترام می‌گویم، حضور شما در اتاق بیضی و طرح این مسائل به این شکل در مقابل رسانه‌های آمریکا بی‌احترامی است». زلنسکی گفت: «آیا تا به حال به اوکراین آمده‌اید تا مشکلات ما را ببینید؟ یک بار بیایید... شما اقیانوس آرام را میان اروپا و آمریکا دارید و اکنون خطری حس نمی‌کنید، اما در آینده حس خواهید کرد». ترامپ با صدای بلند مداخله کرد: «نکویید ما چه حس خواهیم کرد! ما داریم مشکل را حل می‌کنیم. شما در



موقعیتی نیستید که به ما دستور بدهید. ما احساس خوب و قدرتمندی خواهیم داشت. شما با جان میلیون‌ها انسان و خطر جنگ جهانی سوم قمار می‌کنید. این بی‌احترامی به کشوری است که از شما حمایت کرده است».

اما واقعیت این است که علنی‌شدن چنین اختلافاتی در سطح رهبری، نه‌تنها راه‌حلی برای بحران اوکراین ارائه نمی‌دهد، بلکه فضای لازم برای مذاکرات پشت پرده را نیز تخریب می‌کند. این رویکرد که مبتنی بر تحقیر طرف مقابل در انظار عمومی است، ممکن است زلنسکی را تحت فشار داخلی برای اتخاذ مواضع تندتر قرار دهد و تنش‌ها را تشدید کند. سیاست خارجی ایالات متحده نشان داده است که تکیه بر شوک‌رسانی رسانه‌ای و شخصی‌سازی روابط بین‌الملل، نمی‌تواند جایگزین استراتژی‌های مبتنی بر منافع ملی بلندمدت شود. رویکرد محافظه‌کارانه حکم می‌کند که واشنگتن به‌جای تبدیل هر بحران به فرصتی برای افزایش ریتینگ، به تقویت نهادهای چندجانبه و تعهدات پایبند باشد. فقط از این طریق می‌توان از تبدیل رقابت‌های جاری به رویارویی‌های قاجعه‌بار جلوگیری کرد.

**دیپلماسی در لبه پرنگاه**

ترامپ در پوستی در شبکه اجتماعی «تروث‌سوشال» نوشت: «زلنسکی در اتاق بیضی به آمریکا بی‌احترامی کرد. وقتی آماده صلح باشد، می‌تواند بازگردد». کنفرانس مطبوعاتی دوم لغو و پیامدهای این رویارویی به آینده موکول شد.

در مقابل، کی‌یر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا، با استفاده از چاپلوسی و ارائه دعوتنامه‌ای از سوی چارلز سوم، ترامپ را وادار به پذیرش سفر رسمی به لندن کرد. این در حالی بود که زلنسکی با زیر پا گذاشتن «فیلم‌نامه از پیش تعیین شده»، خشم ونس و ترامپ را برانگیخت.

تفاوت واکنش رهبران به نمایش‌های ترامپ نشان می‌دهد که مدیریت هوشمندانه روابط با واشنگتن مستلزم درک عمیق از روان‌شناسی شخصیتی رئیس‌جمهور آمریکاست. در شرایطی که ترامپ خود را «پادشاهی مقتدر» می‌پندارد، رهبرانی مانند استارمر با تطابق با این ذهنیت، منافع ملی خود را بهتر تأمین می‌کنند. اما مقاومت زلنسکی در برابر این نقشه، هرچند قابل اعتنا، ممکن است هزینه‌های امنیتی برای اوکراین در پی داشته باشد. تجربه ثابت کرده است که تبدیل دیپلماسی به سرگرمی تلویزیونی، در نهایت به بی‌اعتمادی میان متحدان و تقویت بازیکران مخالف می‌انجامد. در حالی که اوکراین برای بقا در جنگ به حمایت بی‌وقفه آمریکا نیاز دارد، نمایش‌های تحقیرآمیز ترامپ ممکن است همبستگی غرب را در چشم متحدان آسیایی و اروپایی خدشه‌دار کند.

«پ‌ک» خواسته «اوجالان» را پذیرفت

## توقف فوری عملیات مسلحانه

مائونیسم و جنبش‌های ضدامپریالیستی قرار داشت. در دهه ۲۰۰۰، این حزب به‌جای بیان دفاع از مارکسیسم-لنینیسم سنتی، تحت تأثیر عبدالله اوجالان، رهبر این گروه، کنفدرالیسم دموکراتیک را پذیرفت؛ یک فلسفه سیاسی که از نظریه‌پرداز آنا‌رشیست موری بوکچین الهام گرفته است. این ایدئولوژی، ایده دولت-ملت را رد می‌کند و به‌جای آن از دموکراسی مستقیم، حکومت محلی، محیط‌زیست‌گرایی و برابری جنسیتی حمایت می‌کند.

اگر این اقدام موفقیت‌آمیز باشد، می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر منطقه داشته باشد و به درگیری‌هایی که از سال ۱۹۸۴ میلادی آغاز شده و بیش از ۴۰ هزار کشته برجای گذاشته است، پایان دهد. حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) که اکنون در کوه‌های شمال عراق مستقر است، از آن زمان علیه دولت ترکیه مبارزه مسلحانه داشته است.

این گروه در بیانیه‌ای اعلام کرد که امیدوار است آنکارا عبدالله اوجالان را آزاد کند تا بتواند رهبری روند خلع سلاح را بر عهده بگیرد. همچنین تاکید کرد که بسزای موفقیت این فرآیند، شرایط سیاسی و دموکراتیک لازم باید فراهم شود.

حزب دموکراسی و برابری خلق‌ها (DEM) روز جمعه از دولت ترکیه خواست تا اقداماتی برای دموکراتیزاسیون انجام دهد و تاکید کرد که واکنش دولت در این زمینه بسیار مهم خواهد بود. در مقابل، دولت ترکیه اعلام کرده است هیچ مذاکره‌ای با پ‌ک‌ک انجام نخواهد داد و تاکید کرده تمام گروه‌های شبه‌نظامی کرد، از جمله در عراق و سوریه، باید سلاح‌های خود را زمین بگذارند. نیروهای دموکراتیک سوریه که مورد حمایت آمریکا هستند و آنکارا آنها را شاخه‌ای از پ‌ک‌ک می‌داند نیز از درخواست عبدالله اوجالان به عنوان گامی مثبت استقبال کرده اما تاکید کردند که این درخواست شامل آنها نمی‌شود. دولت ترکیه بارها از شاخه نظامی نیروهای دموکراتیک سوریه خواسته است پس از سقوط بشار اسد سلاح‌های خود را زمین بگذارند. آنکارا هشدار داده است که در غیر این صورت، اقدام نظامی علیه آنها انجام خواهد داد.

## گزارش

وقفه در آغاز

**دوم‌وم مذاکرات آتش‌بس**

درحالی‌که مرحله اول آتش‌بس اسرائیل و حماس روز گذشته به پایان رسید و گزارش‌های متفاوتی از آغاز مذاکرات برای مرحله دوم منتشر شده است، حازم قاسم، سخنگوی گروه حماس، اعلام کرد در حال حاضر هیچ مذاکره‌ای برای مرحله دوم آتش‌بس در جریان نیست.

قاسم در گفت‌وگو با تلویزیون العربی گفت گروه حماس درخواست اسرائیل برای تمدید مرحله اول آتش‌بس جنگ غزه را رد کرده است. پیش از این اعلام شده بود اسرائیل خواهان تمدید مرحله اول آتش‌بس ۴۲روزه است که روز ۱۹ ژانویه پس از ۱۵ ماه جنگ در غزه اجرائی شد. دو منبع امنیتی مصر به رویترز گفته بودند حماس با طرح تمدید مرحله اول توافق آتش‌بس و آزادی گروگان‌های اسرائیلی مخالف است و می‌خواهد وارد مرحله دوم شود. هم‌زمان، هیئت اسرائیلی به قاهره رفت و گفته شد می‌کوشد به توافقی دست یابد که مرحله اول آتش‌بس را برای شش هفته دیگر تمدید کند.

رسانه‌ها به نقل از مقام‌های اسرائیل نوشتند که طرح تمدید مرحله اول آتش‌بس شامل توقف جنگ در ماه رمضان در ازای آزادی چهار گروگان مرد و سایر گروگان‌هایی است که به‌شدت مجروح شده‌اند.

حماس از میانجی‌گران و جامعه بین‌المللی خواسته است اسرائیل را تحت فشار قرار دهد تا «اکلا به نقش خود در توافق پایبند باشد» و فورا وارد مرحله دوم شود.

در توافق اولیه شش‌هفته‌ای، گروه حماس ۲۵ گروگان زنده را آزاد کرد و اجساد هشت نفر دیگر را در ازای آزادی حدود یک‌هزار و ۸۰۰ زندانی فلسطینی به اسرائیل تحویل داد. مرحله دوم آتش‌بس قرار بود آزادی ده‌ها گروگانی را که در غزه نگهداری می‌شوند، تضمین راه را برای پایان پایدار جنگ هموار کند. از ۲۵۱ گروگانی که در جریان حمله هفتم اکتبر ۲۰۲۳ حماس گروگان گرفته شده‌اند، ۵۸ نفر هنوز در غزه نگهداری می‌شوند که ۳۴ نفرشان به گفته ارتش اسرائیل کشته شده‌اند.

با آنکه اعلام شده بود «مذاکرات فشرده» در مورد مرحله دوم با حضور نمایندگان ای اسرائیل و میانجی‌های قطر و ایالات متحده آغاز شده است، یک منبع حماس، اسرائیل را به تأخیر در مرحله دوم متهم کرد. این منبع به خبرگزاری فرانسه گفت: «قرات است مرحله دوم توافق آتش‌بس صبح یکشنبه آغاز شود اما اسرائیل همچنان به نقض توافقی ادامه می‌دهد». در همین حال، یک منبع فلسطینی نزدیک به مذاکرات گفت به‌رغم غیبت هیئت حماس در قاهره، گفت‌وگوها برای یافتن راهی عبور از این بن‌بست در جریان است. اجرای مرحله اول توافق آتش‌بس از ۱۹ ژانویه برای مدت شش هفته آغاز شد و به‌رغم شکننده‌بودن این توافقی و اتهام دو طرفه مخاصمه به نقض «آتش‌بس» در مرحله نخست، امیدها به پایان کامل جنگ در غزه را افزایش داد. اکنون مرحله اول توافق آتش‌بس در حالی به پایان می‌رسد که هیچ‌یک از طرفین درباره بازگشت رسمی به جنگ اظهارنظری نکرده‌اند. آنتونیو گوتروش، سخنان سازمان ملل متحد، از جهان عرب خواست قبل از نشست هفته آینده برای گفت‌وگو در مورد بازسازی غزه، متحد شوند. دبیرکل سازمان ملل متحد روز سه‌شنبه در اجلاس فوق‌العاده اتحادیه کشورهای عربی در قاهره شرکت خواهد کرد.

**پروانه‌نمایندگی بیمه پارسیان**

**به شماره ۱۱۱۶ / ن / ق ۱۳۹۱ متعلق به داریوش سیفی**

**مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.**

**\* آگهی مفقودی کواهینامه صلاحیت شرکت \*#**

**اصل کواهینامه صلاحیت خدمات مشاوره شرکت بین‌المللی**

**مهندسی پژوهش واکنشفات سازند آب پارس**

**(شماره ثبت ۲۲۵۵۵۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۶۷۴۵)**

**به شماره ۸۸۳۲۷ مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۶ به نام آقای**

**سعید حاج امینی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.**